

حوزه و بایسته‌های تمدنی

محمده. ی. بهداروند

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ﷺ

سرناسه:	بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	حوزه و بایسته‌های تمدنی/محمد مهدی بهداروند.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۸۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۳۸۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	تمدن اسلامی؛ Islamic civilization
موضوع:	حوزه‌های علمی-ایران -- تأثیر: Iran* -- Influence -- Islamic theological seminars
موضوع:	حوزه‌های علمی-ایران -- هدف‌ها و نقش‌ها
موضوع:	Aims and objectives* -- Iran -- Islamic theological seminars
موضوع:	تفکر دینی -- ایران -- قرن ۱۴: 20th century -- Iran -- Religious thought
موضوع:	علم و دین -- ایران: Iran -- Religion and science
موضوع:	اسلام و دولت: Islam and state
موضوع:	اسلام -- تجدید حیات فکری: Islamic renewal
ناسه اف:	جامعه المصطفی، العالمية. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
رده بندی کنگره:	۹۱۳۹۶ ج ۴/ب ۷۴/۴ BP۷
رده بندی دیسی:	۲۹۷/۰۷۱
شماره کتابت:	۴۹۳۷۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محترم

حوزه و بایسته‌های تمدنی
 مؤلف: محمد مهدی بهداروند
 چاپ اول: ۱۳۹۶/ش ۱۳۹۹ق
 ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
 ● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۸۵۰۰۰ ریال ● شابک: ۳۰۰ نسخه

مراکز پخش

- ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸
- تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸+ دورنگار: داخلی ۱۰۵-۷۸۳۹۳۰۹ ۹۸+
- ایران، قم، بلوار محمدامین، سه‌راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ ۲۵ ۹۸+
- ایران، قم، ساختمان ناشران، طبقه سوم، پلاک ۳۰۸. تلفن: ۳۷۸۴۲۴۰۲ ۲۵ ۹۸+

Telegram: https://telegram.me/pub_almostafa
 Web: <http://www.buy-pub.miu.ac.ir/>

Email: miup@pub.miu.ac.ir
 Email: pub.miu.ac.ir

بسیاسی از دست‌نویس‌های کتاب‌ها را در وبسایت این مرکز پخش می‌کنیم

- مدیر انتشارات: مرتضی محمدعلی نژاد شانی
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: محمدباقر شکری
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی
- صفحه‌آرا: سیدمحسن عمادی‌مجد

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهشگران حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، بزرگوار معاصر بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ (ع) الیمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی (ص) «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازد.

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)

فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۱.....	موضوع و ضرورت
۱۹.....	۱. تجددگرایان
۲۰.....	۲. تعامل گرایان
۲۰.....	۳. تمدن گرایان
۲۰.....	۴. توقیف گرایان
۲۳.....	پرسش های پژوهش
۲۳.....	پیشینه تحقیق
۲۷.....	کلیات
۲۷.....	مفهوم شناسی (تعاریف)
۲۷.....	۱. حوزه
۲۸.....	۲. تمدن
۳۱.....	۳. دین
۳۱.....	الف) معنای لغوی دین
۳۲.....	ب) معنای اصطلاحی دین
۳۳.....	۴. تحول
۳۴.....	۵. تمدن اسلامی

بخش اول: ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق (چرایی)

۳۷.....	۱. مناسبات دین و تمدن مادی
۳۷.....	دیدگاه اول: مدرنیتراسیون
۴۳.....	دیدگاه دوم: مدرنیته اسلامی

۵۱.....	دیدگاه سوم: تمدن اسلامی
۵۹.....	۲. ضرورت بررسی و تحلیل تمدن مادی
۵۹.....	رهاوردهای تمدن مادی
۵۹.....	۱. نفی معنویت
۶۰.....	۲. افزایش نداشتن رفاه در جامعه جهانی
۶۰.....	۳. توسعه اضطراب و ناامنی به جای آزادی
۶۱.....	۴. از بین رفتن کرامت انسانی در سایه مدرنیته
۶۱.....	۵. از بین رفتن رفاه
۶۲.....	مادی و میانی مدرنیته خاستگاه همه مشکلات
۶۲.....	۱. مکانیسم توسعه در روند مادی
۶۵.....	۲. ایجاد نیاز و بالابردن ارضاهای کاذب
۶۷.....	۳. تحریک نیروی ارباب‌های طبقاتی
۷۳.....	۳. ضرورت طراحی تمدن اسلامی
۷۳.....	عدم اقتباس از الگوی تمدن مادی
۷۵.....	تحقیر همه جانبه توحید در روش منش تمدن مادی
۷۷.....	تنزل درجه جذابیت شعارها در تمدن مادی
۷۸.....	لزوم تحقق آرمان‌های دینی از طریق تمدن‌سازی
۷۹.....	تحقق انقلاب اسلامی ایران و لزوم بحث از تمدن ساز اسلام
۷۹.....	الزامات مربوط به جهانی‌سازی و جهان شدن
۸۱.....	۴. بررسی دیدگاه‌های پیرامون تمدن اسلامی
۸۱.....	دیدگاه اول: فقه سنتی، محور حکومت و تمدن اسلامی
۸۲.....	دیدگاه دوم: فقه پویا همراه با نگرش به توسعه موضوعی فقه
۸۲.....	دیدگاه سوم: تکیه بر کارشناس متدین با هدف همسان‌سازی مدرنیته و تمدن اسلامی
۸۵.....	دیدگاه چهارم: تلفیق کارشناسی دینی و علمی همراه با نوعی اخباریگری مدرن
۸۶.....	دیدگاه پنجم: تکیه بر کارشناسی دینی از طریق دین‌حداکثر
۸۷.....	شمولیت قلمرو شریعت بر سه حوزه نقل و عقل و حس
۸۹.....	نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها
۹۲.....	فقه سنتی و تأسیس مدل فرهنگی-اقتصادی اسلام
۹۳.....	غفلت از ضرورت بالندگی فقاقت، همیای توسعه موضوعات
۹۴.....	اعتقاد نداشتن به ضرورت توسعه روش توسط شریعت

ناکارآمدی در برقراری عدالت اجتماعی و تولید روش اداره	۹۵
انکار حاکمیت ارزش برینش و دانش	۹۶
ناتوانی در طراحی مدل تحلیل حوادث اجتماعی	۹۸
تکیه بر روش اخباریگری با هدف اجتناب از تأویل کلام وحی	۹۸
تحلیل نهایی	۱۰۲
۵. واکاوی و بازخوانی تمدن مادی	۱۰۵
مبانی تمدن مادی	۱۰۵
۱. ارزش انسان‌محوری	۱۰۵
۲. سکولاریسم	۱۰۷
۳. علم‌گرایی مطلق و تکیه بر خردبازاری	۱۰۹
ویژگی‌های تمدن مادی در عصر حاضر	۱۱۰
۱. تقویم ابعاد تمدن	۱۱۱
۲. توسعه انسانی، محور توسعه مادی	۱۱۴
۳. جهانی‌سازی	۱۱۶

بخش دوم: مبانی هندسی تمدن اسلامی (چیستی)

۱. جامعیت دین	۱۲۱
بررسی رابطه معیشت و سعادت	۱۲۱
دیدگاه‌های مختلف درباره نسبت دین و حکومت: نظر رابطه سعادت و معیشت	۱۲۱
۱. دیدگاه منکران (به دلیل مادی معنا کردن سعادت و معیشت)	۱۲۱
۲. دیدگاه معتقدان به حکومت حداقلی دین (نظارت)	۱۲۳
۳. دیدگاه معتقدان به حکومت حداکثری دین (سرپرستی تکامل اجتماعی)	۱۲۵
تفاوت دیدگاه سوم با دو دیدگاه گذشته	۱۲۸
گستره رسالت دین (حداقلی یا حداکثری)	۱۲۹
بررسی نظریه دولت اسلامی	۱۳۳
۱. تأثیر رسالت دولت در تبیین رابطه دولت با دین	۱۳۳
۲. دیدگاه معتقدان به دین حداقل	۱۳۳
الف) جدایی دین و دولت به واسطه جدایی اهداف	۱۳۴
ب) انکار ولایت خدای متعال و معصومین (علیهم‌السلام) و ولایت فقیه	۱۳۵
ج) بازگشت مشروعیت و معقولیت به انسان و نفی ولایت الهیه	۱۳۸
د) پذیرش شرک در حیات اجتماعی	۱۳۸

۱۳۹	۳. دیدگاه معتقدان به دین حداکثر.....
۱۳۹	الف) ضرورت حکومت دینی به دلیل رابطه دین و دولت از طریق جریان ربوبیت الهیه و عبودیت بندگان.....
۱۴۰	ب) ضرورت حکومت تاریخی دین براساس این نگاه.....
۱۴۱	ج) بازگشت مشروعیت (به معنای معقولیت) به ربوبیت الهی.....
۱۴۲	۴. دیدگاه های میانی (معتقدان به نظارت دینی یا وکالت فقیه یا وکالت حکیم).....
۱۴۴	الف) عدم لزوم جریان ربوبیت الهیه از طریق نصب.....
۱۴۵	ب) واگذاری حقانیت تصمیم گیری های اجتماعی به مردم، توسط دین.....
۱۴۶	ج) بنای مشروعیت حکومت.....
۱۴۶	د) «تعریف مشروعیت» (Legitimacy).....
۱۴۸	۲. منابع مشروعیت.....
۱۵۰	۳. مشروعیت بنیادین.....
۱۵۰	الف) از دیدگاه اهل تسنن.....
۱۵۰	ب) از دیدگاه شیعی.....
۱۵۱	۴. منشأ مشروعیت.....
۱۵۲	الف) بررسی دیدگاه «انتصاب».....
۱۵۲	ب) نصب در کلمات فقها.....
۱۵۸	رسالت دولت ها.....
۱۵۸	۱. رسالت دولت های گذشته (ایجاد نظم داخلی و نظم بین المللی).....
۱۵۹	۲. نسبت دین و دولت براساس این نگرش به دولت.....
۱۶۰	۳. تغییرات اساسی رسالت دولت در دولت های مدرن.....
۱۶۰	۴. نگاه ساده انگارانه به دین و دولت.....
۱۶۱	۵. سرپرستی تکامل توسط دولت های مدرن.....
۱۶۱	الف) سرپرستی تکامل و هماهنگ سازی همه شؤون در جهت واحد.....
۱۶۲	ب) تغییر هماهنگ اخلاق و اعتقادات و رفتار در جهت واحد.....
۱۶۴	ج) سرپرستی جریان تکامل در جهت بهره وری بیشتر از ماده.....
۱۶۵	۲. لزوم سرپرستی جریان عقلانیت توسط دین.....
۱۶۵	رابطه علم و دین.....
۱۶۸	تحلیل انواع رویکردها در نسبت علم مدرن و دین.....
۱۶۹	رویکرد اول: رویکرد تعارض انگارانه.....

۱۷۲	۱. علم‌گرایی یا ماتریالیسم علمی
۱۷۴	۲. امپریالیسم علمی
۱۷۴	۳. نص‌گرایی و اقتدارگرایی کلیسایی
۱۷۷	رویکرد دوم: رویکرد تمایز انگارانه
۱۷۹	۱. رویکرد نوارتدوکسی (سخت‌کیشی نوین)
۱۸۰	۲. رویکرد اصالت وجودی (اگزیستانسیالیستی)
۱۸۱	۳. رویکرد تحلیل زبانی
۱۸۸	رویکرد سوم: تعامل‌گرایانه (گفت‌وگو و هم‌گرایی)
۲۰۰	رویکرد چهارم: وحدت‌گرایی
۲۰۰	۱. الهیات علم‌الیه و وحدت علم و دین
۲۰۳	۲. دستگاه فاسمه نبشی و وحدت علم و دین
۲۰۵	۳. الهیات طبیعت‌گرا و وحدت علم و دین (نظریه باربور)
۲۰۹	جمع‌بندی نهایی
۲۲۱	جهت‌داری علوم (بررسی تولید علم دینی)
۲۲۵	۳. موانع تمدن‌سازی
۲۲۶	مانع اول: فقدان منطق شامل برای هماهنگی علم دین و عینیت
۲۲۷	۱. آثار زیان‌بار فقدان منطق جامع
۲۲۸	۲. تکامل در پرستش، به معنای ثبات در جهت و تغییر در روش
۲۲۹	۳. تأثیر منطقی شامل در هماهنگی کردن نظام معرفت‌شناسی
۲۳۰	۴. ضرورت شناخت محور سیستم در حوزه ایمان و کفر
۲۳۲	مانع دوم: فقدان فلسفه عمل اسلامی
۲۳۲	۱. سه معیار کارآمدی فلسفه الهی
۲۳۳	۲. ملاحظه تکامل، نسبیت و حرکت
۲۳۴	۳. پشتیبانی از فرهنگ کارشناسی
۲۳۹	مانع سوم: ناهماهنگی منطق معرفت‌دینی، عقلی و حسی
۲۳۹	چالش تمدن اسلامی در ناهماهنگی منطق نقلی، عقلی و تجربی
۲۴۱	۴. لوازم مهندسی تمدن‌سازی اسلامی
۲۴۱	تولید ادبیات جدید مدیریت جهانی
۲۴۲	تولید و تدوین فلسفه سیاسی
۲۴۳	تعریف عدالت اسلامی در سطوح سه‌گانه

۱. تعریف عدالت ۲۴۷
- هماهنگی دو تعریف فوق از عدالت اسلامی ۲۴۸
۲. عدالت اسلامی تابع توسعه اسلامی ۲۴۸
- الف) تحلیل مفهوم توسعه ۲۴۹
- ب) نظام مند بودن توسعه ۲۴۹
- ج) الهی و غیرالهی بودن توسعه ۲۵۱
- د) عدالت اسلامی تابع توسعه اسلامی ۲۵۳
- ه) تبعیت عدالت از توسعه در هر دو مبنای الهی و غیرالهی ۲۵۳
- و) عدالت و توسعه مادی ۲۵۴
- ز) توسعه عدالت در توسعه الهی ۲۵۶
۳. نظام عدالت اسلامی ۲۵۹
۴. فرایند شکاگری عدالت اسلامی ۲۵۹
- الف) تحقق عدالت اجتماعی بر صیانت بین‌المللی ۲۵۹
- ب) نیازمندی به تولید تمام مآهِم ۲۶۰

بخش سوم: راهبردهای حوزه علمیه و مهندسی تمدن اسلامی با تمرکز بر نقش

جامعه المصطفی ﷺ (چگونگی)

- راهبردهای حوزه علمیه در مهندسی تمدن اسلامی ۲۶۵
- درک تمدنی و شناخت روابط پیچیده دنیای امروز ۲۶۶
- استنباط فقه اکبر (پی‌ریزی حکمت، اخلاق و فقه حکومتی) ۲۶۷
- توجه به تحقیقات بنیادین در حوزه فلسفه و متدلوژی علم ۲۶۸
- استفاده از توان تحقیقات حوزه با مدیریت شبکه‌ای تحقیقات ۲۶۹
- منابع ۲۷۵

مقدمه

موضوع و ضرورت

پژوهش سراسر با عنوان «چگونگی تحول حوزه در راستای تمدن سازی» انجام گرفته است.

آنچه در این پژوهش به بحث مورد توجه قرار گرفته، چگونگی تحقق تمدن اسلامی با رویکردی به جایگاه حوزه علمیه و تحولات آن می باشد.

ضرورت این پژوهش پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جایگاه ویژه حوزه های علمیه در نظام اسلامی در عرصه های مختلف آن و نقش و منزلت روحانیت مشخص می شود؛ زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی و وارد شدن حوزه علمیه به عرصه تصمیم سازی و تصمیم گیری های اجرایی، فصل نویی در فرهنگ سازی توسط حوزه های علمیه به وجود آمد.

انقلاب مبارک اسلامی ایران نهضتی معنوی است که از استان آغاز به عنوان ایده ای فراملی مطرح شد. هدف اصلی انقلاب اسلامی در مبارزات ضد استبدادی یا ضد استعماری خلاصه نمی شد؛ بلکه آغاز یک تحول فراگیر برای اداره بهتر جهان بر مبنای آموزه های دین مبین اسلام بود. اگر انقلاب اسلامی یک حرکت ملی یا ضد استعماری بود، در مرزهای خود محدود می ماند؛ حال آن که با گذشت بیش از ۳۴ سال توانسته است مرزهای خود را درنورد و تمدن رقیب را به چالشی عظیم بکشد و در پایان قرن گذشته میلادی یکی از

جناح‌های تمدن رقیب سوسیالیسم را از میدان به در کند. پیش از فروپاشی شوروی مغالطه‌ای جدی در دو بال تمدن موجود سوسیالیسم و کاپیتالیسم وجود داشت: یکی خود را پرچم‌دار عدالت اقتصادی می‌دانست و با دین مقابله می‌کرد و دیگری اگرچه روی دلار می‌نوشت ما به خدا اعتقاد داریم، اما با شعار عدالت سیاسی از طریق دموکراسی، انسان را جای خدا می‌نشانند و نوعی خداگرایی برای انسان قائل شد. در مقابل، انقلاب اسلامی بین خداپرستی و عدالت را جمع نموده و عدالتی را تعریف نمود که بر مبنای خداپرستی شکل می‌گیرد. انقلاب اسلامی پرچم عدالت خواهی را جابه‌جا کرد و از دست مدعیان تمدن مادی گرفت. به بانیان کانون تشیع یا اسلامی ناب محمدی سپرد. به همین دلیل انقلاب اسلامی را سرخ داده در جهان، پس از نهضت اسلامی ایران صبغه‌ای اسلامی و معنوی باز شد و امروز شاهدیم بیشتر کانون‌های درگیری و عدالت خواهی در سرتاسر جهان به کانون‌های اسلامی مربوط است.

نظام سرمایه‌داری نیز که از پرچم دموکراسی به عنوان یک حربه سیاسی در جهان و علیه ملل آزادی خواه استفاده می‌کند، با بحران‌های اقتصادی و فرهنگی سنگینی روبه‌روست که فروپاشی این تمدن را در آینده‌ای نه‌چندان دور نوید می‌دهد. امروز دموکراسی غربی به دست همین بت‌ناشان مدرن در کشورهایی همچون بوسنی، الجزایر، عراق، افغانستان، غزه، یمن و بحرین و... شکسته شد و همین واقعیت نشان می‌دهد که این بت توان فریفتن مردم و ساختارهای موجود نمی‌تواند ساختار مناسبی برای سامان‌دهی اختیارات بشر باشد.

بنابراین چه بخواهیم و چه نخواهیم، حرکت انقلاب اسلامی روند تاریخ را تغییر داده و مذهب به عنوان نیروی قوی در موازنه عالم ظهور کرده و سردمداران کفر را به ابراز نگرانی از وجود چنین حرکت مقدسی واداشته است. راز همه این حقایق را باید به موفقیت حرکت سیاسی فرهنگی انقلاب اسلامی مربوط دانست.

در پرتو انقلاب اسلامی وجدان بشری باید جایگاه انسانی و کرامت معنوی خود را بشناسد. انسان امروز باید درک کند که به او دروغ گفته‌اند و به نام آزادی او را برده خود ساخته‌اند. بشر معاصر پی برده است که وعده آزادی انسان به دست انسان جز یک فریب دل‌پذیر نیست؛ از این رو باور کرده که هیچ کس جز پیامبران و اولیای الهی از اول خلقت تا امروز او را به بزرگ‌تر بودن و بزرگ‌تر شدن او از همه دنیا و مظاهرش و ایثار نسبت به دنیا دعوت نکرده است.

او می‌داند که آزادی انسان از انسان جز در پرتو پیدایش کرامت و ایثار ممکن نیست. چون ایثار نسبت به دنیا عاملی مؤثر برای ایجاد تفاهم و تعاون اجتماعی است که خصمه خود استعمار و بهره‌جویی از دیگران را نزد اصحاب خود کریم نشان می‌دهد. وجدان بشر می‌بیند که در دعوت زورمداران قدیم و جدید و داعیه اهل دنیا در درون انسان‌های ماقبل تاریخ، دوره جاهلیت و سرانجام بشر به اصطلاح تمدن امروز، تفاوتی جدی به وجود نیامده و همه در محدوده تنگ دنیا خلاصه می‌شوند. یکی تا دیروز از آب برکه می‌نوشید و بدان راضی بود و این یکی با انواع مشروبات ده‌خور است و روزگار می‌گذراند. آن یکی در کوخ بود و این یکی در کاخ، مهم این است که جوهره دعوت بشر به دنیا عوض نشده است. انسان نیز به روشنی فهمید که این جهت‌گیری او را اقناع نمی‌کند و به ایثار و کرامت نمی‌رساند.

انقلاب اسلامی وعده این دو عطیه بزرگ را به بشر داده است که در سایه مذهب می‌تواند هم به آزادی انسان از انسان و قرب حق برسد و هم به عدالت با تمام جلوات و مظاهر آن دست یابد. این دعوت، درویش‌مآبانه نیست؛ چون از پی‌ریزی تمدن و حیات اجتماعی جدیدی سخن می‌گوید که در درون خود از تمام ساختارها و تناسبات ضروری برای تکامل برخوردار است.

انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی مدعی پیشرفت و تعالی بر اساس آموزه‌های پیامبران است، نه زندگی صوفیانه. این دعوت انقلاب اسلامی و

حکومت دینی در بخش انقلاب سیاسی پیشرفت زیادی داشته و قلوب بسیاری را در سراسر جهان تسخیر نموده و اکنون در مرحله‌ای است که باید از طریق انقلاب فرهنگی، فرهنگ خود را به جهان عرضه کند و زمینه انقلاب اقتصادی را هم فراهم آورد. پیداست که تنها با کلی‌گویی نمی‌توان از عهده چنین تکلیفی برآمد؛ چون دینی که بشر را به زندگی اجتماعی جدیدی دعوت کرده است، باید الگوی اداره خود را نیز به روشنی نشان دهد.

در عین آن که استفاده از دستاوردها و محصولات دیگران در حالت اضطرار جایز است، ولی باید متوجه پیامدهای منفی چنین استفاده‌ای نیز بود و خود را آماده تحقق انقلاب فرهنگی و ایجاد زمینه لازم برای آن کرد. این امر را باید پذیرفت که اگر نتوان با دنیا بر سرالگوهای زندگی است، باید حرف جدیدی را به جهانیان عرضه کنیم؛ وگرنه حرکت انفعالی در مقابل دشمن، جز تضعیف مواضع نظام اسلام در درازمدت نتیجه‌ای نخواهد داشت.

اساساً تحقق ایده‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون انقلاب فرهنگی با جنبش نرم افزاری ممکن نیست. انقلاب اسلامی در این مرحله باید بتواند آرمان‌های خود را به برنامه عملی تبدیل کند. آشکار است که اگر حرکتی از نقطه مثبتی آغاز شود و به نتایجی هم برسد، به سرعت طرفدارانی در دنیای اسلام خواهد یافت و موازنه قدرت جهانی را به نفع اسلام تغییر خواهد داد.

به دیگر سخن، اگر بتوانیم مفاهیم کیفی و ارزشی را در یک نمونه، به معادله کمی و کاربردی تبدیل کنیم، به گونه‌ای که بتوانیم آن را به آزمون گذاشته و نتیجه بگیریم، بیش از یک سلاح هسته‌ای و اتمی موازنه قدرت را در عالم به سود انقلاب اسلامی تغییر خواهیم داد.

البته این کار، رسالت پژوهشگران حوزه و دانشگاه است که تاکنون یا از عهده آن برنیامده و یا از آن غفلت کرده‌اند. بیان این نکته نادیده گرفتن فعالیت‌های تحقیقی جاری در سطح کشور نیست؛ بلکه سخن در این است که این

فعالیت‌ها چنان‌که باید، متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی نبوده است. انقلاب فرهنگی همان‌گونه که یکی از شروط تحقق تمدن نوین اسلامی است، مبدأ رفع ناهنجاری‌های اجتماعی نیز هست. چالش‌های موجود در جامعه و مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، معلول فقدان مدل اداره الهی و اتکا به علوم غربی در جامعه اسلامی است؛ زیرا علوم غربی ابزار توسعه زندگی مادی به‌شمار می‌رود و نمی‌تواند نظام نیازهای جامعه اسلامی را ارضا کند.

جامعه ما غالباً در هنگام بروز مشکلات، یا تحلیل پدیده‌های منفی و ناهنجاری‌های اجتماعی، ناآگاهانه همه توجه مردم به سوی تصمیم‌گیران جلب می‌شود و آنها مقصر اصلی می‌شناسند. در صورتی که با کمی دقت درمی‌یابیم که در ورای چهره آنها که به ظاهر برای مردم و جامعه تصمیم می‌گیرند، قشری وجود دارد که مقدمات تصمیم‌گیری را فراهم نموده و در حقیقت تصمیم‌ها را می‌سازند. به همین سبب، واقعی مسئولیت عملی فاصله‌گیری و انحراف عملی حرکت اجتماعی از اهداف انقلاب، متوجه همین تصمیم‌سازان است.

سبب بروز مشکلات در نظام ما معادلات مدل‌ها و الگوهایی است که از غرب و شرق به عاریت گرفته شده و با نظام ارزشی جامعه اسلامی که ریشه اصلی انقلاب و حکومت اسلامی است، ناسازگار است.

به تعبیر دیگر، بروز همه ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی، به ناهماهنگی فرهنگی اطلاعات معنوی و ارزشی جامعه، با اطلاعات عینی و حسی حاکم بر آن بازمی‌گردد.

باید این واقعیت را روشن کنیم که حاکمیت نظام کارشناسی در درست کارشناسان است. کدام وزارتخانه است که بخش کارشناسی آن دست غیر کارشناس باشد؟! اگر می‌بینیم که نقائصی در کار تصمیم‌گیران نظام وجود دارد، از این باب است که تصمیم‌های تصمیم‌سازان نظام، همان‌هایی که با آمار و ارقام و نمودار سروکار داشته و بر اساس مبانی غیر الهی طرح‌های

کارشناسی ارائه می‌کنند، بر سبیل صواب نیست.

لذا اگر امروز شاهد بروز معضلات جدی در اداره جامعه هستیم، دلیل آن پیش از هر چیز ناتوانی الگوی کارشناسی موجود در اداره یک جامعه انقلابی و اسلامی است، نه این که این نقص را بتوان به عجز دین در امر اداره منسوب کرد. یعنی این الگوی کارشناسی نمی‌تواند جامعه متدین را اداره کند؛ پس به درون این ناتوانی را به دین نسبت می‌دهند. همه سخن این جاست که این معادلات با روح جامعه ما نمی‌سازد و ناتوانی معادلات موجود، در خواندن روحیات یک ملت است که این مشکل را به وجود آورده است. البته این معادلات نیز وامعی که بر اساس ماده‌پرستی شکل گرفته، کارایی دارد؛ یعنی جوامعی که دارای الگیزه‌ها، اندیشه‌ها و ابزارهای مادی هستند، با همین معادلات، گذران عمری کنند. البته در جهت اهداف مادی خودشان موفق هم هستند.

در واقع، آرمان به عنوان یک اصل اساسی در همه شریان‌های نظام اجتماعی جاری است. اگر آرمان کسی، حرکت در فضا باشد، باید وسیله‌ای متناسب با آن سفینه را طراحی و اگر حرکت، در آب باشد، کشتی را طراحی کند. معنا ندارد که از سفینه برای حرکت در آب و از کشتی برای حرکت در فضا استفاده کنیم؛ چرا که سیستم هر کدام از این وسایل، متناسب با آرمان حاکم بر آن طراحی شده است که بالطبع کارایی خاص خود را هم خواهد داشت.

ما نمی‌توانیم از یک سو، قصد طراحی ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نوینی برای جامعه انقلابی ما بر اساس یک آرمان مشخص را داشته باشیم و از سوی دیگر، معادلات لازم برای چنین امری را از دستگاهی دیگر و با آرمانی متفاوت با مطلوب خود به عاریت بگیریم. نمی‌توانیم صدر و ذیل نظریات فلسفی مارکس یا دیدگاه‌های اقتصادی کینز را مشحون از نام خداوند یا چند آیه و حدیث کنیم و آن را اسلامی بنامیم! نمی‌توان ایجاد نظام سیاسی،

فرهنگی و اقتصادی را با امضای سرپرستی اغیار در ساختارهای جامعه اسلامی خود، به دست ایشان بسپاریم تا نظام دموکراسی غربی و دیگر عناصر خرد و کلان یک سیستم مادی را در جامعه ما تعبیه کنند و آنگاه با رویکردی انفعالی برای اسلامی شدن جامعه تصمیم‌گیری کنیم!

اگر از ما بپرسند که مهاجمین به اسلام چه کسانی هستند، می‌گوییم: کارشناسان تصمیم‌باز که ابزار آنها مدل‌ها می‌باشند. اگر بپرسند چه کسانی هدف این تهاجم قرار می‌گیرند، می‌گوییم: ذهنیت مسئولین تصمیم‌گیر. اگر بگویند موضوع تصمیم‌گیری‌ها چیست می‌گوییم: الگوی پیشرفت یک کشور اسلامی.

امروزه تهاجم به اصل حیات اجتماعی اسلام، مثل دوران مغول نیست که بر سر هر کوچه‌ای با شمشیر و زور می‌ایستادند و دستور به کفر می‌دادند؛ بلکه این تهاجم توسط مدل‌ها صورت می‌گیرد.

ابزار تهاجم امروزه مدل و الگو است که مدل اقتصادی، شاخه‌ای از آن است. البته مدل در بالاترین سطحش روش‌شناسی باشد و تهاجم اصلی از سوی علوم انسانی و اجتماعی صورت می‌گیرد. تهاجم عینی به وسیله تصمیم‌گیری اجتماعی واقع می‌شود. به عبارت دیگر، هر جامعه‌ای مسئولیتی برای تصمیم‌گیری در مورد کل جامعه دارد و درباره کل مقدرات جامعه تصمیم‌گیری می‌کنند؛ اما تصمیم‌سازی برای تصمیم‌گیران به وسیله مدل‌ها انجام می‌گیرد.

اشتباه بزرگ غرب‌زدگان و شرق‌باوران، این است که مردم جامعه خود را به خوبی نشناخته و نسبت به حیات آرمانی آن غفلت زده، ناباور و بی‌گما شده‌اند. البته کلام ما به معنای تخطئه عناصر خرد و دلسوز شعب نظام کارشناسی کشور نیست؛ بلکه کلام ما متوجه نقصان در روش موجود و حاکمیت ارزش‌های نامتناسب با آرمان‌های جامعه اسلامی بر الگوهای عملی است که خود به خود کارشناسان متعهد و غیرمتعهد جامعه را به سوی چنین نتایجی سوق می‌دهد، تا جایی که برخی از این عناصر که از تعهد کمتری برخوردارند، به غلط، تحقق

رویکرد اسلامی را در خصوص برنامه توسعه و نظایر آن ناممکن می‌دانند!

امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری با درک مشکلات مطرح شده در بسیاری از مناسبت‌ها به فکر چاره‌جویی برآمده و برخی فرصت‌ها و تهدیدات را گوشزد نموده‌اند. به برخی از این رهنمودها برای استحکام و اتقان ضرورت موضوع اشاره می‌کنیم.

امام خمینی علیه السلام با اشاره به هدف اسلام از تشکیل حکومت و تبیین جوهره دو کتب کاپیتالیزم و سوسیالیسم می‌فرماید:

ما مدفمان پیاده کردن اهداف بین المللی اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگ‌تری به اهتزاز در آوریم.^۱

ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه کاپیتالسم، کمونیسم و صهیونیسم استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلامی رسول الله صلی الله علیه و آله را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های درینا شاهد آن خواهند بود.^۲

اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.^۳

فرزند خلف ایشان با وعده تحقق تمدن اسلامی آمده از تزویر و ستم ابرقدرت‌ها برداشته، می‌فرماید:

سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.^۴

۱. امام خمینی، صحیفه/امام، ج ۲۱، ص ۸۸.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در مدرسه فیضیه ۷۹/۷/۱۴.

امروز در سرتاسر دنیا میلیاردها انسان زیر فشار سنگین ظلم و بی عدالتی قدرت های بزرگ دست و پا می زنند. آنها یک نمونه احتیاج دارند و یک الگو می خواهند و شما می خواهید آن الگو را نشان بدهید.^۱

مدعیان لیبرال دموکراسی با استفاده از علم، فناوری، سیاست، تبلیغات و سرنیزه در صدد فتح جهان هستند و مهم ترین روشی که در این راه مورد استفاده قرار می دهند، تئوری سازی و مفهوم سازی است که حوزه علمیه قم می تواند با اهتمام به نهضت نرم افزاری نظریه پردازی و تولید علم، به مقابله با این سلطه طلبی بپردازد.^۲

بر این اساس حرکت تکاملی انقلاب اسلامی به سوی ایجاد تمدن اسلامی آغاز گردیده و هر روز بر شتاب خود می افزاید. امروز جمهوری اسلامی با تعیین تبیین سند چشم انداز بیست ساله خود، می رود تا با برپایی تمدن اسلامی، ادای دین به امام خمینی رحمه الله و وعده های الهی او را محقق سازد.

چشم انداز بیست ساله در جمهوری اسلامی معمولاً بر اساس نگرش های فلسفی و مبانی نظری متفاوتی که در اداهای آنها می پردازیم، ترسیم و توصیف شده است. این نگرش ها را می توان در طبقه بندی کلی در چهار دسته تجددگرایان، تعامل گرایان، تمدن گرایان، و توقیف گرایان ملاحظه و بررسی نمود.

۱. تجددگرایان

این نظریه و طرفداران آن، گستره دین را حداقلی و محدود به امور عبادی و معنوی دانسته و دخالت دین در امور اجتماعی و اداره حاکمات بشری در بخش های سیاسی اقتصادی و فرهنگی را غیرمنطقی و ناصواب تلقی کرده و پذیرش کامل تمدن و تکنولوژی غربی را به عنوان محصول عقلانیت تکامل یافته بشری راه حل واقعی نجات رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران و سایر جوامع بشری تلقی و توجیه می کنند.

۱. خامنه ای، سیدعلی، حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۰۳.

۲. تعامل گرایان

نظریه مزبور و طرفداران آن، تمدن غربی را مجموعه‌ای منسجم و نظامی هماهنگ و یکپارچه نمی‌دانند و معتقد به وجود خوب و بد و صواب و ناصوابی در اجزاء و زیرمجموعه‌های این تمدن و امکان تفکیک خوبی‌ها از بدی‌ها هستند. اینان هنوز هم بیشترین جمعیت را دارند و معتقدند که تمدن مادر غرب، خوبی‌ها و زیبایی‌هایی دارد که می‌توان آنها را از زشتی‌های این جامعه پاک کرده و به خدمت اسلام و ایران گرفت و از موهبت پیشرفت‌های تمدنی غرب بهره‌مند و از مصائب و مشکلات آن مصون و محفوظ ماند.

۳. تمدن گرایان

تمدن گرایان اعتقاد به انسجام مجموعه‌ای و نظام‌مند دانستن نظام‌های اجتماعی و تأکید بر هماهنگی اجزاء و ارکان نظام اجتماعی با اهداف و آرمان‌ها و مبانی نظری آن، طراحی و تولید نرم افزارهای اختصاصی مبتنی بر معارف اسلامی را تنها راه اداره اسلامی جمهوری اسلامی و رسیدن به تمدن اسلامی را چشم انداز این حکومت دینی می‌دانند. اینان گستره دخالت و حضور دین را حداکثری و برابر با گستره حیات دنیوی و اخروی بشر دانسته و وظیفه متدینین را تلاش عقلانی و کنکاش پیوسته فکری، برای طراحی و تبیین ابزارها راه‌های تحقق این تمدن و رفع موانع پیش رو می‌شمارند. این نگرش علی‌رغم تأکید بر پی‌گیری دیدگاه فوق، استدلال‌های ضروری از نرم افزارها و سخت افزارهای تمدن غربی به عنوان ابزارهای امانتی و عاریتی که برای عبور از شرایط فعلی گریزی از آن نیست را جایز و گاه لازم می‌شمرد؛ اما دل بستن و خوش نشستن با آن را نکوهش نموده و درباره آن هشدار می‌دهد.

۴. توقیف گرایان

نگرش چهارم مربوط به گروهی است که دخالت بشر در امر تمدن‌سازی را

علت اصلی پیدایش مشکلات و نابسامانی‌های بشر پنداشته و معتقدند عقلانیت بشر جز با دستور یا اقدام مستقیم انبیا و اولیای الهی و هدایت مستقیم و مخصوص آنان، راه به جایی نمی‌برد و در زمانی که دسترسی به معصومین ممکن نیست، به کارگیری عقلانیت بشر برای رفع مشکلات، به گشودن بن‌بست‌های منتهی نخواهد شد. از این رو بشر نیز نه راهی برای رسیدن به تمدن دین دارد و نه از این جهت وظیفه‌ای بر عهده دارد. بر اساس نظریه این گروه، سررزمان غیبت و دسترسی مستقیم نداشتن به معصوم، نه وظیفه‌ای برای اجرای دین و نظام کار بر عهده دارد و نه با استفاده از عقل خود می‌تواند چنین بستری افسام سازد و به این ترتیب زمینه‌سازی و تولید نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تحقق حکومت اسلامی با تلاش عقلی مرتفع می‌گردد و عملاً پی‌گیری تحقق حکومت اسلامی در زمان غیبت منتفی خواهد شد.

نگارنده در میان نگرش‌های پیش‌گفته، خود را در محدوده نظریه سوم تعریف و بر این اساس تمدن غربی را سکولار می‌داند؛ تمدنی که روح آن همان عرفی‌سازی حیات اجتماعی بشر بوده و با همه عرصه‌های حیات حوزه سیاست فرهنگ و اقتصاد سرایت کرده است. این تمدن در نقطه ظهور و اوج خود نیز به جهانی‌سازی می‌اندیشد و می‌خواهد دهکده جهانی را مبتنی بر ارزش‌های برآمده از رنسانس مادی شکل دهد.

در مقابل، انقلاب اسلامی نیز جریانی برخوردار از لایه‌های اجتماعی است که به سمت تعمیم و تعمیق پیش می‌رود و قصد دارد بر تمام عرصه‌های زندگی بشر بر اساس معارف اسلامی تأثیر بگذارد و حیات اجتماعی بشر را از ریشه دگرگون کند.

بنابراین تا زمانی که نتوان سخن و مدعای خود را با عینیت گره زد و علاوه بر برهان لفظی، از براهین عینی بهره جست و برنامه‌های تحقیقاتی منسجمی را در چنین قالب‌هایی ارائه داد، حتماً ادعای ما در ارائه ساختار نوین تمدن اسلامی

در هاله‌ای از تردید و ناباوری باقی خواهد ماند و نه تنها نمی‌توان دشمنان را ساکت کرد، بلکه دوستان را نیز با چنین قافله‌ای همراه نخواهد ساخت.

تا زمانی که انقلاب فرهنگی در همه شئون محقق نشود، نمی‌توان از پذیرش پیام انقلاب سیاسی خود در سطح جهان توسط مردم دیگر کشورها مطمئن بود؛ چون ادعای انقلاب ما همواره ارائه تمدنی نوین که شالوده‌های آن رنگ دیانت داده، بوده و هست و اگر قرار باشد همواره از ابزار فرهنگی دشمن به صورت مطلق یا مشروط بهره‌جوییم، آیا اولامی‌توان چنین تمدنی را بنا نهاد و ثانیاً بر فرض بنا نهادن آن می‌توان ادعا کرد که چنین تمدنی از آن ماست، در حالی که روش و مصالحه دیگران را به عاریت گرفته‌ایم؟

البته این گونه نیست که باید صنعت تعطیل شود و بشر به دوران پیش از تجدد بازگردد؛ بلکه سرش را بر سر شیب تغییرات آینده به سمت گسترش خداپرستی است، نه بازگشت به گذشته.

پرسش اصلی این است که ما میر جریان انقلاب به کدام سو باید هدایت شود و بشر چگونه آینده را متناسب با آموزه‌های الهی بسازد؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان تحولات آینده را متناسب با روح هدایت کرد تا به جای انفعال در مقابل حوادث پیش آمده، حادثه‌ها بر اساس توجه دینداری و خداپرستی شکل گیرند و پدید آیند.

جامعه اسلامی تا هنگامی که به تکنولوژی و تمدن اسلامی دست نیافته، لازم است به گزینش و تفکیک فراورده‌های غرب روی آورد و اضطراب از آنهایی بهره گیرد که قابلیت انطباق بیشتری داشته باشد و کمتر زیان به بار آورد. اگر جامعه اسلامی بتواند یک دستگاه و یک هاضمه جدید ایجاد کند و بتواند تک تک اجزای وارداتی نظام تکنولوژیک غرب را در خود هضم کند، خواهد توانست از آثار و پیامدهای منفی چنین وارداتی بکاهد. اگر قدرت تجزیه سیستم وجود داشته باشد، می‌توان در ضمن یک برنامه‌ریزی درازمدت مراحل را برای گذار از

وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب ترسیم کرد. مثلاً زمانی که بتوان برای نظام اقتصادی بومی تعریف جدیدی ارائه داد و سازوکار و سیر رسیدن به هدف مطلوب خود را در این زمینه ترسیم کرد، می‌توان از این طریق تمدن موجود و آثار منفی آن را در دستگاه خود حل کرد.

بنابراین گرچه نمی‌توان وضعیت موجود را صفر کرد و واقعیت‌های فعلی را نادیده گرفت، اما باید تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهای لازم با ظرفیتی که در جامعه کنونی به چشم می‌خورد، متناسب باشد. (جالی، ۲۲)

پرسش‌های پژوهش
بر اساس آنچه گذشت، پرسش‌های اصلی و فرعی این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

پرسش اصلی: بایسته‌های تمدن - به رابطه‌ای با مهندسی تحول در حوزه علمیه دارد؟

پرسش‌های فرعی:

- ضرورت مهندسی تمدن‌سازی اسلامی چیست؟
- مبانی تمدن‌سازی اسلامی چیست؟
- راهبردهای حوزه علمیه در مهندسی تمدن‌سازی اسلامی کدامند؟

پیشینه تحقیق

پیرامون ضرورت مهندسی تمدن اسلامی و بیان عدم کارکرد دینی تمدن موجود، تاکنون کتب و مقالات بسیاری نگاشته شده است. البته برخی با توجه به مبانی فکری خود اصل ضرورت طرح تمدن‌سازی اسلامی را امری بیهوده قلمداد کرده و برخی با توجه به تمدن مادی موجود راهکارهایی را برای استفاده از آن پیشنهاد داده‌اند و برخی دیگر ایده تمدن‌سازی اسلامی

را به عنوان آرمان انقلاب اسلامی مطرح کرده‌اند.

نگارنده با مطالعه این منابع در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات اصلی موضوع تحقیق برآمده و براین باور است که می‌توان ایده تمدن‌سازی اسلامی را با توجه به تحولات درونی محتوایی حوزه مطرح نمود؛ زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی و نشر جهانی آن، شعار انقلاب اسلامی بوده است.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حوزه علمیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام اولین گام در شکل‌دهی تمدن اسلامی است. اگر حوزه‌های علمی، عنوان کانون‌های فکری انقلاب اسلامی نتوانند متناسب با اهداف و سیاست‌های سیاسی خود، اندیشه‌ها، پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزارهای خود را تولید و ازسازی کنند، هیچ‌گاه نمی‌توان به تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی امیدوار بود. حوزه‌های علمیه بر اساس اعتقاد به جامعیت دین اسلام به دنبال تولید و ازسازی تمدنی نوین در سراسر جهان است که شاخصه‌ها و ساختار آن در ابعاد مختلف حیات بشری در تقابل با تمدن مادی موجود می‌باشد.

بر این اساس ضرورت طرح مهندسی این تمدن اسلامی در راستای رسالت و مأموریت حوزه‌های علمیه به عنوان نهاد حقیقی دین اسلام هویت پیدا می‌کند. بر این اساس، از مهم‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه، ارائه الگوی اسلامی اداره جامعه، متناسب با شرایط جهانی امروز و اقصائات زمانی است. برای تحقق این امر، حوزه امروز نیازمند تحولی جدی در عرصه‌های مختلف است. لذا در این زمان نه تنها شعار جدایی حوزه‌ها از حکومت پذیرفته نیست، بلکه حوزه باید به عنوان عقبه و اتاق فکر نظام اسلامی نقشی سازنده و فعال و پویا ایفا کند؛ چرا که حکومت اسلامی، حکومتی برخاسته از دین و از متن حوزه‌های علمیه است که داعیه ایجاد تمدنی فراگیر و جهانی دارد و در مقابل تمدن مادی موجود قرار دارد.

کاربرد تحقیق حاضر ارائه خطوط کلی مهندسی و راه‌اندازی تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی می‌باشد. با توجه به آنچه گذشت، نقش و کارکرد و مأموریت بین المللی جامعة المصطفی (ﷺ) در فرایند تحقق تمدن اسلامی ضروری است و باید جایگاه و کارکرد آن در این پروسه مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا تمدن مقوله‌ای بین المللی و جهانی و فراتر از تعلقات ملی و منطقه‌ای است. بر این اساس ایده تمدن اسلامی بایستی به عنوان موضوعی جهانی قلمداد گردد. در این پژوهش، مطالعه اسنادی و استفاده از مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای صاحب نظران و غیره منجر به مجموعه‌ای از منابع آماری (در حد توان این تحقیق) نیز مطالعه محدود میدانی با تولید اطلاعات آماری با استفاده از پاره‌ای آثار مکتوب حوزوی بوده است.

این تحقیق دارای ابعاد روشی (Strategic) و کاربردی (Applied) است و در سه سطح توصیفی (Descriptive)، تبیینی (Explanatory) و تجویزی (Prescriptive) انجام خواهد شد.

آنچه در این پژوهش مورد دقت قرار گرفته است در سه بخش چرایی، چیستی و چگونگی تنظیم شده است.

در بخش اول، در شش فصل ضمن تبیین ضرورت و اهمیت تحقیق و مفهوم‌شناسی مفاهیم مورد نیاز، به تحلیل تمدن مادی موجود پرداخته و ضمن بیان ضرورت مهندسی تمدن اسلامی، به پیشینه و دیدگاه‌های مختلف پیرامون تمدن اسلامی و مناسبات دین و تمدن پرداخته شده است.

در بخش دوم، طی سه فصل به چیستی تمدن اسلامی در قالب بیان موضوع جامعیت دین و موانع و الزامات مهندسی تمدن‌سازی اسلامی پرداخته شده است. در بخش سوم به موضوع راهبردهای حوزه‌های علمیه در مهندسی تمدن اسلامی با تمرکز بر نقش جامعة المصطفی (ﷺ) مانند درک تمدنی و شناخت روابط پیچیده دنیا و توجه به تحقیقات بنیادین در حوزه فلسفه و

متدولوژی علوم و استفاده از توان تحقیقات حوزه با مدیریت شبکه‌ای توجه شده است.

در پایان با تمام فراز و نشیب‌هایی که در به ثمر نشستن این تحقیق به وجود آمد، لازم می‌دانم از ریاست محترم پژوهشکده جناب آقای دکتر امیدی، مدیر محترم گروه آقای هادی کیان‌پور و از ناظر محترم پروژه جناب حجت الاسلام والد سلمن دکتر عبدالعلی رضایی که در تدوین همه بخش‌های کتاب یاور و راهنمای من بودند تشکر ویژه نمایم. همچنین لازم است از همه کسانی که در امر نیش‌برداری، تحقیق و مصاحبه که در استخراج و یادداشت‌برداری اطلاعات اولیه این جانب را یاری نموده‌اند حجج اسلام علی اصغر رستمی، جعفر معافی، محسن نورمحمدی و خانم‌ها فاطمه حائری، فردوس لامی زاده و فاطمه بهداروند تشکر و قدردانی کنم.

امیدوارم این مجموعه مورد توجه معمار تمدن اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام قرار گیرد و ما را مسمور عاها‌ی خود قرار دهد.

اییز ۱۳۹۱

محمد علی بهداروند

قم - حوزه علمیه